

# نصيحة: اندرز

موسی ضیع مجمع البحرین (العبد الصالح) مع أنه كان مستعداً أن ينفق عمراً طويلاً في البحث عنه.

موسی، مجمع البحرین (عبد صالح) را گم کرد، و حال آن که وی این آمادگی را داشت که در طلبش، سالیان دراز راه سیر کند و عمر خویش را بر این هدف بگذارد.

موسی ضیع هدفه ولم يعرفه مع أنه جلس بقربه.

موسی مرید و مقصودش را گم کرد و با این که در کنارش نشسته بود، او را نشناخت.

موسی (ع) تجاوز هدفه مع أنه مر به، وفي هذا عبرة وعظة بالغة لموسی(ع) ولكل سائر في طريق الله سبحانه.

موسی(ع) از مطلوبش گذر کرد، هر چند از کنار او عبور کرد. در این واقعه، عبرت و موعظه‌ای رسا برای موسی(ع) و تمام پویندگان راه خدای سبحان است.

أما موسی فقد أخذ عظته في حينها وعلم أن تضييع الهدف ممكن حتى مع المبالغة في طلبه وشدة الاهتمام به، ولهذا كان منكسراً عندما عاد للعبد الصالح الذي ضيعه وربما يمكن أن نقول: إنه لما مر بقرب هذا الإنسان لم يتصور أنه هو الهدف الذي يطلبه وكان هذا هو الدرس الأول لموسی(ع) حيث بقدر التفاته إلى نفسه وانشغاله بها ضيعه، ولهذا عندما عاد خاطب العبد الصالح بلغة المذنب (هل تقبل بعد أن ضيعتك مع اقترابي منك أن أرافك وأتعلم منك) .. (هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت رشداً).

البته موسی سریع متنبه شد و دریافت که گم کردن هدف، ممکن و شدنی است، حتی با وجود تلاش بسیار در راه رسیدن به آن و با وجود اهتمام شدید نسبت به هدف. بنابراین هنگامی که به سوی عبد صالح که پیشتر او را از کف داده بود، بازگشت، سرشکسته بود و چه بسا بتوانیم بگوییم: وقتی موسی از کنار این انسان گذشت، تصور نمی‌کرد که او همان گم‌گشته‌ای باشد که در پی آن بوده است. این اولین درس برای موسی(ع) بود، زیرا او به مقدار توجهی که به خودش

نشان داد و به اندازه‌ای که به خویشتن خویش مشغولیت یافت، هدفش را از دست داد؛ بنابراین وقتی برگشت، عبد صالح را با گفتاری که بیانگر گفتار فرد مقصر و گنهکار است، خطاب نمود: (آیا با وجود این که به تو نزدیک شدم و تو از دست دادم، مرا قبول می‌کنی تا همراه تو باشم و مرا دانش می‌آموزی؟): «... آیا با تو بیایم تا آنچه به تو آموخته‌اند به من بیاموزی؟».

أما نحن فلا بد أن نعتبر ونتعظ بما حدث لموسى (ع) مع العبد الصالح فإذا كان موسى (ع) مع شدة طلبه للعبد الصالح حتى إنه جعل إمضاءه الحقب في البحث عنه أمراً طبيعياً بالنسبة له أي إنه قرر أن لقاءه بالعبد الصالح أمر عظيم يهون معه إمضاء الدهور بحثاً عنه، مع هذا مر بقربه ولم يعرفه، فهل يمكن أن يضيعوا هدفهم من يطلبون العبد الصالح اليوم؟ مع أنهم ليسوا كموسى (ع) لا من جهة الإخلاص ولا من جهة الاهتمام الذي جعل موسى (ع) يرى أن إمضاء الدهور سائحاً هائماً على وجهه أمراً قليلاً إن كانت نتيجته لقاءه بالعبد الصالح، هل يمكن أن يسأل كل إنسان عاقل يخاف سوء العاقبة نفسه هذا السؤال؟

ما نیز باید از ماجرای موسی (ع) با عبد صالح، درس عبرت بگیریم و پند بیاموزیم. موسی با چنان شدت و حدتی در طلب عبد صالح بود، که وی صرف سالیانی دراز برای یافتنش را، طبیعی قلمداد کرده بود یعنی چنین مقرر کرده بود که دیدار با عبد صالح به حدی بزرگ و با عظمت است که اگر سال‌هایی دور و دراز در طلب آن صرف شود، سبک و بی‌اهمیت می‌باشد؛ با این حال از کنار عبد صالح گذشت و او را نشناخت؛ آیا ممکن است کسانی که امروزه در پی عبد صالح هستند، هدف خود را گم کنند و آن را از دست بدهند؟ در حالی که آنها نه از جهت اخلاص و نه از جهت اهتمامی که موسی (ع) بر این موضوع داشت، مانند آن حضرت نیستند؛ در حالی که موسی (ع) سرگردانی، حیرانی و گذشت سالیان دراز برای پیدا کردن او را مساله‌ای کم‌اهمیت تلقی می‌کند اگر نتیجه‌اش دیدار با عبد صالح باشد؛ آیا هر انسان عاقلی که از سوء عاقبت بر خودش بیمناک است، شایسته نیست چنین سوالی را از خود بپرسد؟!

\* \* \*